

### خلاصه بحث

در مورد نماز جمعه نصوص مختلفی وارد شده است که به نظر ما در مجموع دلالت بر وجوب تأخیری نماز جمعه در عصر غیبت دارند.

### نصوص پیرامون نماز جمعه

طایفه اول از روایات را دیروز بیان کردیم.

طایفه دوم: نصوص داله بر جواز و استحباب نماز جمعه

### ۱- صحیحیه یا مصححه هشام

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي الْمُضْبَاحِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنِّي لَأُحِبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ لَا يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَتَمَتَّعَ وَلَوْ مَرَّةً وَأَنْ يُصَلِّيَ الْجُمُعَةَ فِي جَمَاعَةٍ»<sup>۱</sup>

شیخ طوسی این روایت را بدون سند متصل از ابن ابی عمیر نقل کرده است، بنابراین سند این روایت ضعیف است، منتهی خود شیخ طوسی در فهرستش به جمیع کتب و روایات ابن ابی عمیر سند صحیح دارد، بنابراین با قاعده تبدیل سند می توانیم حکم به صحت سند این روایت کنیم.

از نظر دلالت نیز مشکلی در روایت نیست و دلالت بر استحباب تمتع به حج، و استحباب نماز جمعه دارد، به نحوی که انسان لااقل در طول عمرش یکبار حج تمتع، و یکبار نماز جمعه انجام داده باشد.

البته به قرینه اینکه تعبیر «لأحب» ذکر شده است می فهمیم که مراد از این حج، حج واجب نیست، چرا که چنین تعبیری با وجوب سازگار نیست، بنابراین می فهمیم که کلام در مورد کسی است که استطاعت برای حج ندارد، منتهی با سختی خودش را به حج می رساند و حج تمتع انجام می دهد که چنین چیزی مستحب است.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۴، ص ۴۴۳، أبواب المتعة، باب ۲، ح ۷، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

**سؤال:** آیا مراد از این تمتع، عقد موقت نیست؟

**جواب:** خیر، چنین چیزی مراد نیست، زیرا اولاً متعه به نساء مستحب نیست، و ثانیاً هیچ فقیهی در اینجا چنین احتمالی را نداده است، بنابراین مراد از این تمتع، همان حج تمتع است.

به هر حال شاهد مثال ما فقره دوم روایت است که نماز جمعه را مستحب دانسته است، چون اگر بنا باشد که نماز جمعه واجب تعیینی باشد، با تعبیر «لأحب» که حضرت فرموده اند سازگار نیست.

مؤکد و شاهد بر این معنا، روایاتی هستند که بر همین سیاق وارد شده اند، لکن لفظ سنت در آنها ذکر شده است، مثل صحیح محمد بن مسلم.

**صحیح محمد بن مسلم**

وَبِإِسْنَادٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ الْحَجَّاجِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ لِي تَمَتَّعْتَ قُلْتُ لَا قَالَ لَا تَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى تُحْيِيَ الشُّنَّةَ».<sup>۲</sup>

این روایت هم در مورد تمتع به حج است، که حضرت سفارش به احیای سنت کرده اند، یعنی طوری نشود که فردای قیامت به فرد بگویند که تو سنت را احیاء نکردی، از این سیاق و این کلام استفاده می شود که روایت قبلی هم که نماز جمعه را ذکر کرده بود به همین معناست، یعنی فرد در طول عمرش لااقل یکبار نماز جمعه را انجام بدهد و تارک سنت نباشد.

بنابراین این روایت نیز دلالت بر استحباب نماز جمعه دارد، منتهی ما اجماع داریم که نماز مستحب نمی تواند مجزی از نماز واجب باشد، بنابراین فضیلت و استحباب نماز جمعه، به معنای استحباب فی نفسه نیست، بلکه به معنای برتری یکی از اطراف واجب تخییری بر طرف دیگر است، که این معنا از نصوص دیگر استفاده می شود.

در جلسه گذشته صحیح زراره را ذکر کردیم و گفتیم که این صحیح دلالت بر وجوب تعیینی نماز جمعه دارد.

آن روایت این بود:

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱۴، ص ۴۴۳، أبواب المتعة، باب ۲، ح ۱۱، ط الإسلامیة.

## درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ وَوَضَعَهَا عَنْ تَسَعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْمَجْثُونِ وَالْمُسَافِرِ وَالْعَبْدِ وَالْمَرْأَةِ وَالْمَرِيضِ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرْسَيْنِ».<sup>۳</sup>

ظاهر این روایت این است که نماز جمعه واجب تعیینی است، منتهی هر ظاهری قابل حمل است، و با توجه به مطالبی که امروز بیان کردیم می توانیم دست از ظاهر این روایت برداریم و روایت را طوری معنا کنیم که با وجوب تخییری نیز سازگار باشد، به این معنا که بگوییم در طول هفته سی و پنج نماز تشریع شده است و در ظهر جمعه هم فقط یک نماز واجب است، منتهی همین نمازی که در ظهر روز جمعه واجب است، یک نماز معین نیست، بلکه واجبی تخییری بین نماز جمعه و نماز ظهر است، منتهی از تعبیر «لأحب» که در روایت امروز آمده بود و تعبیری نظیر آن می فهمیم که در بین نماز ظهر و جمعه، آن نمازی که فضیلت بیشتری دارد نماز جمعه است.

### ۲- صحیحہ عبدالرحمن

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ تَدَعَ الْجُمُعَةَ فِي الْمَطَرِ».<sup>۴</sup>

در این روایت چنین آمده که ترک نماز جمعه در روزهای بارانی ایرادی ندارد، همین قرینه است که نماز جمعه مستحب است و واجب تعیینی نیست، چون اگر واجب تعیینی باشد با امثال باران نباید کنار گذاشته شود.

ممکن است کسی اشکال کند و بگوید که ایرادی ندارد که نماز جمعه واجب تعیینی باشد ولی هنگام باران، ترک کردن آن مشروع باشد. و این مانند مستثنیات نماز جمعه است که مثلاً بر زن و مسافر، نماز جمعه واجب نیست، و یکی از استثنائات نماز جمعه هم می تواند همین حالت بارانی بودن هوا باشد.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۲، أبواب صلاة الجمعة، باب ۱، ح ۱، ط الإسلامية. ۳

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۳۷، أبواب صلاة الجمعة، باب ۲۳، ح ۱، ط الإسلامية. ۴

### درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

اما چنین اشکالی صحیح نیست، چون مانعی ندارد که شارع خودش در اصل تشریع نماز جمعه، برخی از افراد مانند زن و مسافر را استثناء کرده باشد، ولی اینکه نماز جمعه بر فردی واجب باشد ولی با بارش باران این وجوب برداشته شود، چنین چیزی معهود نیست.

#### طایفه سوم: عدم اشتراط حضور امام معصوم علیه السلام

این طایفه از نصوص دلالت بر عدم اشتراط حضور امام معصوم علیه السلام دارند، و نماز جمعه را بدون حضور امام معصوم علیه السلام حرام ندانسته و جایز می شمارند.

قبلا بیان شد که ابن ادریس و سلار قائل به اشتراط حضور امام معصوم علیه السلام هستند و نماز جمعه در عصر غیبت را حرام می دانند.

با این حساب معلوم شد که این نصوص، در مقابل قول ابن ادریس و سلار است.

#### ۱- صحیح زرارہ

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «حَثَّنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى صَلَاةِ الْجُمُعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ نَأْتِيَهُ فَقُلْتُ نَعُدُّو عَلَيْكَ فَقَالَ لَا إِنَّمَا عَنَيْتُ عِنْدَكُمْ»<sup>۵</sup>.

زراره می گوید که حضرت در روزی از روزها بسیار ما را سفارش به نماز جمعه کرد، به نحوی که گمان کردیم که باید فردا که جمعه است در محضر حضرت حاضر بشویم و نماز جمعه را بجا بیاوریم، ولی حضرت فرمودند که خودتان نماز جمعه را بخوانید.

این روایت صریح است در اینکه حضور شخص امام معصوم علیه السلام از شروط نماز جمعه نیست، و بدون حضور حضرت نیز می توان نماز جمعه را برپا کرد.

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۱۲، أبواب صلاة الجمعة، باب ۵، ح ۱، ط الإسلامية.

## درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

روایات دیگری نیز همین مطلب را افاده می کنند. مثلاً صحیحہ عبدالملک و صحیحہ فضل بن عبدالملک که در جلسه گذشته بیان شد نیز دلالت بر این دارند که بدون حضور امام معصوم علیه السلام نیز نماز جمعه منعقد می شود.

**سؤال:** این روایات مربوط به زمان حیات حضرات معصومین علیهم السلام و عصر حضور حضرات هستند، پس چطور می توانیم از آنها برای عدم حضور معصومین علیهم السلام استفاده کنیم؟

**جواب:** مراد از حضور این است که امام معصوم علیه السلام خودشان نماز را اقامه کنند، وگرنه اگر در قید حیات باشند ولی مبسوط الید نباشند و نتوانند نماز جمعه را اقامه کنند، چنین حالتی نیز ملحق به عدم حضور است که حکمش مانند حکم زمان غیبت است.

### ۲- موثقه سماعه

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - فَقَالَ أَمَّا مَعَ الْإِمَامِ فَزَكَّاتَانِ - وَأَمَّا مَنْ يُصَلِّي وَحْدَهُ - فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ - يَعْنِي إِذَا كَانَ إِمَامٌ يَخْطُبُ - فَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْإِمَامُ يَخْطُبُ - فَهِيَ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَإِنْ صَلَّوْا جَمَاعَةً»<sup>۶</sup>.

حضرت در این روایت فرموده اند که اگر امامی هست که خطبه نماز جمعه را بتواند بخواند، نماز جمعه را با او بخوانید. بنابراین نماز جمعه مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام نیست.

صاحب جواهر و دیگران بیان کرده اند که تعبیر «إمام يخطب» که در این روایت آمده است اختصاص به امام معصوم علیه السلام ندارد و شامل همه ائمه جماعاتی که می توانند خوب خطبه بخوانند می شود.

صاحب جواهر از سیاق این نصوص چنین استظهار کرده که اصحاب حضرات معصومین علیهم السلام ارتکازشان این بود که نماز جمعه بدون حضور امام معصوم علیه السلام را واجب نمی دانستند، فلذا سیره شان چنین بود که اصلاً در نماز جمعه حکومت طاغوت شرکت نمی کردند.

در چنین حالتی حضرت به آنها توصیه می فرماید که در نماز جمعه شرکت کنند.

<sup>۶</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۱۳، أبواب صلاة الجمعة، باب ۵، ح ۳، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

نتیجه ای که صاحب جواهر از این تقریب می گیرد این است که نماز جمعه مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام نبوده است.

صاحب وسائل نیز نظرش همین است و در نتیجه با صاحب جواهر مشترک است، منتهی وجه تقریب کلامش با وجهی که صاحب جواهر بیان کرد متفاوت است.

صاحب وسائل می گوید که اصلاً قرینه داخلیه داریم بر اینکه مراد از امام در این نصوص، امام معصوم علیه السلام نیست و شامل هر امام جماعتی که بتواند به خوبی خطبه بخواند نیز می شود.

این نظر صاحب جواهر و نظر صاحب وسائل بود.

ما به قرینه تعبیر «یهلک» در برخی از این روایات احتمال دادیم که شاید حاکم وقت در آن شهر و روستا کسی را به امامت جمعه منصوب کرده بود که نرفتن اصحاب به نماز جمعه می توانست به ضررشان باشد و موجب هلاکشان شود. و در سایر روایاتی که تعبیر «یهلک» ندارد هم با قرائنی بالاخره معلوم می شود که نماز جمعه مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام نیست.

بنابراین آنچه از این نصوص استفاده می شود این است که نماز جمعه بدون حضور امام معصوم علیه السلام نیز مشروع است.

**طایفه چهارم: نصوصی که دلالت بر حضور حاکم شرعی دارند.**

سیاق برخی از این نصوص به این شکل است که نماز جمعه در روستاها و شهرهای کوچک را صحیح نمی دانند و می گویند نماز جمعه در شهری که حاکم شرعی حضور داشته باشد و بتواند حدود را اجرا کند اقامه می شود.

**صحیحہ حفص بن غیاث**

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «لَيْسَ عَلَى أَهْلِ  
الْقُرَى جُمُعَةٌ وَلَا خُرُوجٌ فِي الْعِيدَيْنِ».<sup>۷</sup>

این روایت نماز جمعه را برای اهل قریه واجب ندانسته ولی وجهش را بیان نکرده است، اما روایت بعدی وجهش را گفته است.

صحیحہ طلحة بن زید

وَإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «لَا جُمُعَةَ  
إِلَّا فِي مِصْرٍ تُقَامُ فِيهِ الْحُدُودُ».<sup>۸</sup>

این برخی از نصوص این طایفه بودند که چنین بیانی داشتند.

بخش دیگری از نصوص این طایفه هم هستند که با بیان دیگری اشتراط حضور حاکم را ذکر کرده اند، که یکی از آنها صحیحہ محمد بن مسلم است.

صحیحہ محمد بن مسلم

«وَإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مِسْكِينٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي  
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَجِبُ عَلَى أَقَلِّ مِنْهُمْ الْإِمَامُ وَ قَاضِيهِ - وَ الْمُدَّعِي حَقًّا وَ  
الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ الشَّاهِدَانِ - وَ الَّذِي يَضْرِبُ الْحُدُودَ بَيْنَ يَدَيِ الْإِمَامِ».<sup>۹</sup>

این نشان می دهد که نماز جمعه حداقل باید با حضور این هفت نفر برگزار شود و این گروه شامل امام، قاضی، و مدعی و ... است.

<sup>۷</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۱۰، أبواب صلاة الجمعة، باب ۳، ح ۴، ط الإسلامية.

<sup>۸</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۱۰، أبواب صلاة الجمعة، باب ۳، ح ۳، ط الإسلامية.

<sup>۹</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۵، ص ۹، أبواب صلاة الجمعة، باب ۲، ح ۹، ط الإسلامية.

### درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

فقه‌ها از این روایت استفاده کرده‌اند که امام باید کسی باشد که متصدی حکم باشد. از نصوص دیگر هم استفاده شده است که باید بتواند خطبه بخواند. بنابراین برای امام جمعه دو شرط وجود دارد: یکی اینکه متصدی منصب قضا باشد و دیگری اینکه بتواند خوب خطبه بخواند.

در روایت دیگری که صاحب جواهر آنرا آورده است چنین آمده است:

«لا يصلح الحكم ولا الحدود ولا الجمعة إلا للإمام أو من يقيمه الإمام»<sup>۱۰</sup>

یعنی کسی که نماز جمعه را اقامه می‌کند باید صلاحیت حکم و اجرای حدود داشته باشد. و این به قرینه کلام امام صادق علیه السلام در مقبوله عمر بن حنظله شامل فقهای عصر غیبت نیز می‌شود، که حضرت فرمودند: «فأَنِّي قد جعلته عليكم حاكماً»<sup>۱۱</sup> و سایر نصوص ولایت عامه فقیه نیز همین مطلب را اثبات می‌کند که فقهای جامع الشرائط، صلاحیت شرعی برای اقامه حدود و احکام را دارند و نماز جمعه را هم می‌توانند اقامه کنند.

بنابراین نتیجه کلی از این روایات این است که امام جمعه، علاوه بر اینکه باید بتواند خطبه بخواند، باید کسی باشد که در شأن حاکم شرعی هم باشد و از طرف حضرات معصومین علیهم السلام برای این کار نصب شده باشد که فقهای عصر غیبت چنین هستند و به نحو عام نصب شده‌اند.

یکی دیگر هم سیره می‌باشد که صاحب جواهر هم بر این سیره تأکید کرده و آن را به عنوان دلیلی بر وجوب نماز جمعه مطرح کرده است.

این بحث مربوط به نصوص بود.

### استدلال به سیره

صاحب جواهر برای وجوب تخییری نماز جمعه به سیره نیز تمسک کرده و فرموده است:

<sup>۱۰</sup> جواهر الکلام، النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن، ج ۱۱، ص ۱۵۸.

<sup>۱۱</sup> وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۱، ص ۲۳، أبواب، باب، ح، ط الإسلامیة.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

«منها السيرة التي أشار إليها أساطين المذهب و وافقتها فتاواهم و إجماعاتهم، و اعترف بها المخالف في المقام، و لم يسعه إنكارها مع شدة حرصه على إنكار أدلة الشرطية و يشهد لها أيضا ما في أيدي المخالفين الآن الذي لم يعد أحد أنه من بدعهم و مخترعاتهم مع أنهم حصروا مبتدعاتهم في الفروع و الأصول و لم يتركوا لهم شيئا إلا ذكروه حتى الأذان الثاني لعثمان في الجمعة، و أنه لو كانت تصلى في ذلك الوقت مع غير النائب في رأس كل فرسخ لشاع و ذاع و صار معلوما عند الأطفال فضلا عن العلماء الماهرين أمناء الله في أرضه».<sup>۱۲</sup>

ایشان این سیره را بیان کرده و گفته است که اگر بنا بود نماز جمعه واجب عینی باشد، باید خبر آن به ما می رسید، زیرا واقعه کمی نبوده است. در حالی که هیچ خبری در این زمینه وجود ندارد، و از همین جا معلوم می شود که نماز جمعه در عصر غیبت واجب تخییری بوده است.

به نظر ما نیز چنین سیره ای ثابت است و حرف ایشان درست است و علاوه بر این، ما هم قبلا شهرت عظیمه بر جواز نماز جمعه در عصر غیبت را ذکر کردیم و این هم می تواند موید مطلب ایشان باشد.

مقتضای تحقیق

از مجموع آنچه بیان شد استفاده می شود که به نظر ما نماز جمعه در عصر غیبت واجب تخییری است، و این واجب تخییری منافاتی با فریضه بودن ندارد، بلکه شارع مقدس برای مکلفین در روز جمعه یکی از دو فریضه را واجب کرده است، که یکی از آنها نماز جمعه و دیگری نماز ظهر است، و این تخییر به مکلفین داده شده است و انتخاب یکی از این دو فریضه به اختیار مکلف است.

دلیل ما بر این مطلب مقتضای قاعده اصولی است.

ما ادله ای داریم که نماز جمعه را واجب تعیینی دانسته اند، و ادله نماز ظهر را هم داریم که نماز ظهر را واجب تعیینی می داند و در ظهر جمعه این دو طایفه با هم تنافی دارند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

از طرفی هم اجماع و ضرورت قائم است که در یک وقت، دو نماز واجب نشده است، بنابراین در ظهر جمعه فقط یک نماز واجب است که نمی دانیم نماز جمعه است یا نماز ظهر است، و ادله هر کدام می گوید که من واجب هستم.

به نظر ما مقتضای قاعده در چنین جایی تخییر است.

منتهی اشکالی در اینجا هست و آن اینکه نسبت این دو دلیل، عموم و خصوص مطلق است، بنابراین باید با ادله نماز جمعه، ادله نماز ظهر را قید بزنیم و نتیجه این می شود که در ظهر جمعه فقط نماز جمعه مشروع است و نماز ظهر مشروع نیست.

منتهی عرض کردیم که به نظر ما قاعده اصولی در چنین جایی که مثبتین هستند این است که باید مقید را حمل بر فرد افضل کنیم.

بنابراین به نظر ما نتیجه نهایی این می شود که نماز ظهر و نماز جمعه واجب تخییری هستند، ولی نماز جمعه افضل از نماز ظهر است.

حالا ممکن است اشکالی پیش بیاید و آن اینکه بر اساس این قاعده، همین حرف را در عصر حضور هم باید بزنیم و در عصر حضور هم نماز جمعه را واجب تخییری بدانیم!

پاسخ ما این است که مقتضای قاعده همین است، ولی به خاطر اجماعی که نسبت به عصر حضور داریم که نماز جمعه را واجب تعیینی دانسته اند و حتی یک مخالف هم نداریم دست از این قاعده بر می داریم.

بنابراین دلیل اول ما بر وجوب تخییری نماز جمعه در عصر غیبت، مقتضای قاعده است.

دلیل دوم ما هم نصوص خاص است، که این نصوص را بیان کردیم و گفتیم که مثلاً تعبیر «لأحب» در این نصوص، با واجب تعیینی سازگار نیست و معلوم می شود که واجب تخییری و فرد افضل از واجب تخییری است.

علاوه بر این، سیره ای که صاحب جواهر فرموده بود نیز به نظر ما دلالت دارد.

و همینطور نصوصی که دلالت بر عدم اشتراط حضور معصوم علیه السلام دارد نیز صلاحیت استدلال دارند. و حرف کسانی مثل ابن ادریس و سلار که قائل به حرمت نماز جمعه در عصر غیبت هستند را رد می کنند.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۷/۱۶

و علاوه بر همه اینها، شهرت عظیمه هم داریم که نماز جمعه در عصر غیبت، واجب تخییری است، که علامه حلی این مطلب را بیان کرده اند، و فرموده اند که همه علماء نماز جمعه را جایز می دانند.

کلام ایشان را قبلاً بیان کردیم و گفتیم که مراد از این جواز، همان واجب تخییری است.